آرزوی ۱۰۰ سینماگر برای پرده نقره‌ای ایران

صد «نما» از آینده

آرزوهای سفید

سینما جادوی شهر من...

شهرزاد همتی

■ فرهنگ اصلی‌ترین عامل تغییر است، سینما به عنوان بزرگ‌ترین عنصر فرهنگی و هنری در جهت رشد انسان‌ها حرکت می‌کند. اما چیزی که برای من جذابیت پرده‌ای را که نقره‌ای خطابش می‌کنند زیاد می‌کند، در سالن‌های شهر خودم خلاصه می‌شود؛ سالن‌هایی که روزگاری نصف وقت تفریحم در صفحه‌های طولانی‌اش برای دیدن فیلم‌ها سپری می‌شد. حالا خیلی وقت است که سینما نمی‌روم اما دغدغه‌ام سینماست. تک‌تک سینماهای این شهر را ورق می‌زنم و دلم برای سینماهای قدیمی تنگ می‌شود. سینما تمدن که حالا دیگر مرکز تجاری شده، اول خیابان مولوی بود. در سینما ستاره حوالی خیابان امیریه تهران فیلم «غریبانه» را دیدم، حالا به جایش پاساژ بزرگی ساخته شده و من یادم می‌آید یک روز که از جلو سینما رد می‌شدم روی سر درش نوشته بود «به علت نوسازی تعطیل است.» سینما آسیا با آن تابلوهای نوستالژیکی که بر در و دیوارش داشت حالا در انتظار این است که مرکز تجاری بزرگی برای تاجران فعال باشد و من آرزویم این است که در روز ملی سینما در یک جای این شهر یک نفر دلش بخواهد سینما بسازد. من دلم می‌خواهد سینما شهرقشنگ فیلم جدید اصغر فرهادی را در سال بعد نمایش دهد. دلم می‌خواهد ۹۰۰ شهر ایران که از داشتن پرده نقره‌ای محرومند، فقط یک سالن برای خودشان داشته باشند تا شاید مثل فوتبالیست‌ها که از زمین‌های خاکی شروع می‌کنند و روزی ستاره می‌شوند در یک شهر دورافتاده کودکی جادوی سینما را در سالن کوچک شهرش بشناسد و یک روز بنشینم و به عنوان ستاره بزرگ سینما یا کارگردان جهانی با او مصاحبه کنم...

هر سال دریغ از پارسال

فاطمه عسگری‌آزاد

■ سال پیش، در همین روزهای گرم شهریور مشغول تهیه پرونده‌ای برای بزرگداشت روز ملی سینما بودیم، امسال هم که روز ملی سینمایی در تقویم وجود ندارد باز هم به سراغ اهالی سینما رفتیم و از حال و روزشان پرسیدیم؛ امسال اما گلایه‌ها و شکوه‌ها بسیار بیش از پارسال بود و آرزوها دست‌نیافتنی‌تر می‌نمود. پارسال اگر سینماگران از آرزوی باز شدن صندوق بازنشستگی می‌گفتند امسال از بسته شدن خانه سینما شکایت داشتند، سال پیش اگر صحبت از فیلم‌ها و سی‌دی‌های قاچاق بود امسال معضل اکران‌های ناقص و اختلاف حوزه هنری با شورای صنفی نمایش ورد زبان همه بود، سازمان سینمایی پارسال هنوز تشکیل نشده بود اما امسال هم که اعضا و بودجه‌اش مشخص است دردی از دردهای سینما را دوا نکرده است. پارسال حتی تقویم‌ها اینقدر شلوغ نشده بود که برای ثبت روزملی سینما در تاریخ ۲۱ شهریور نتوانیم یک خط بنویسیم اما در کنار همه این شاید اسکار تنها اتفاقی بود که سال پیش کام اهالی سینما را شیرین کرد. ۲۱ شهریور امسال تا ۲۱ شهریور سال آینده، یک‌سال وقت است برای مسوولانی که با وعده‌های بسیار آمدند و آرزوهای بسیاری را به جا گذاشتند و ما هم همچنان به گفته «والتر لیپمن»، منتقد رسانه در «کتاب مقدس دموکراسی» می‌نویسیم؛ از گلایه‌ها و آرزوها.

رویای نیمه‌شبِ تابستان

عسل عباسیان

■ روزگاری نه چندان دور، ۱۵ساله بودم و آرزویم «روزنامه‌نگارشدن» بود. آرزو داشتن را از همین «سینما» یاد گرفته بودم؛ با «سینما پارادیزو»ی تورناتوره فقید که نشان‌مان داد پسرک عشق آپارات هم می‌تواند یک روز سینماگری بزرگ باشد. شاید باور نکنید، اما من راستش را می‌گویم. حالا در کنار این همه هنرمند، آرزوهای شخصی‌ام مثلِ آرزوی تماشای فیلم‌های چندبُعدی سینمای جهان، بدون پرداخت هزینه‌های گزاف، رنگ می‌بازد و خوب که فکر می‌کنم می‌بینم آرزوی من، برآورده شدن آرزوی همه سینماگران عزیزی است، که با تمام وجودشان یکه و ناب‌ترین تصاویر عمرشان را بر پرده نقره‌ای ترسیم می‌کنند تا ما یادمان نرود که در هر حال می‌توانیم آرزو کنیم، فقط کافی است دمی چشمان‌مان را ببندیم و به دور از هیاهوی زندگی ستاره‌ها را در ذهن‌مان مجسم کنیم. آرزوی من برآورده شدن آرزوی همه اهالی جادویی هنر هفتم است. هرجای جهان که باشند. آمین.

رویاهاتو محکم بچسب*

زهرا عزیزمحمدی

■ پرده‌ام وسط دیالوگ‌های دو شخصیت فیلمنامه‌ای که روی میز یک سینماگر آفریده می‌شود. پشت خط من، یک فیلمنامه‌نویس، درگیر قصه‌ای تازه است هرچند تردید دارد اکران می‌شود یا نه. کارگردانی، پلانی از آخرین فیلمش را فیلمبرداری می‌کند تردید دارد اکران شود یا نه و بازیگری بین دو تمرین از ایده‌آل‌هایش حرف می‌زند. پشت خط من تهیه‌کننده‌ای است که آخرین تحولات جدول فروش را پیگیری می‌کند، شاید هم هنرمندی که در خانه‌اش تنها و دلش برای کار تنگ است. زنگ می‌زنم و حال سینما را می‌پرسم، در روزهایی که اولین «آه» پس از این احوال‌پرسی از تاسفی عمیق خبر می‌دهد برای خانه‌ای که چراغ‌هایش همیشه روشن بود.

***عنوان شعری از لنگستون هیوز**
ترجمه از احمد شاملو

سینما را از من نگیر

حبیب‌دهقان‌نسب

انسان‌های اولیه رویاهای خود را در دل غارهای محل سکونت خویش به تصویر می‌کشیدند تا از این طریق پا در وادی واقعیت بگذارد. می‌خواهم بگویم انسان از دیرباز با خیال و تصویر ارتباط تنگاتنگی داشت و شاید زندگی بدون خیال برایش معنا و مفهومی نداشت. از نگاه من رویا یعنی تصویر، یعنی سینما. پس زندگی را از من بگیر اما رویاهایم را هرگز.

اندیشه‌ای نمی‌ماند

مصطفی آل‌احمد

چراغ‌ها خاموش می‌شود. تصاویر پس از اندیشه جان می‌گیرند. صندلی‌ها خالی است، و نگاه‌ها سوی دیگری است. جامعه‌ای که تحمل دیدن واقعیت خود را ندارد و از درک حقیقی خود ناتوان است از درک خود عاجز و به این ترتیب مدام در حال تنبیه کردن خود است. به این سان تصویری نیست تا از پس آن اندیشه‌ای جان گیرد و اندیشه‌ای نمی‌ماند تا در پی آن تصویری.

دنبال سایه امن

آتوساقلمفرسایی

امیدوارم سال جدید سال رونق سینما باشد و هیچ سینماگری در این سال بیکار نماند و اگر سینماگرها به مشکلی هم برخوردند، بتوانند در سایه امن «خانه»شان مشکلات‌شان را حل و فصل کنند. همین.

صداقت

آنانعمتی

آرزوی همیشه و همواره‌ام، سینمایی است با صداقت، آزاد و به دور از سیاست‌زدگی.

همدلی و اتحاد

حسین‌زندباف

بهترین اتفاق برای سینمای ایران همدلی، اتحاد و در کنار هم بودن برای همه بچه‌های سینماست. کاش تمام همکاران به این رشد فکری برسند که به هیچ عنوان حق یکدیگر را ضایع نمی‌کنند و تمام اتفاقات مثبت زمانی می‌افتد که ما با سلیقه‌های مختلف در کنار هم باشیم. چون این سلیقه‌های مختلف است که سینما را می‌سازد. سینما کار شخصی و فردی نیست و خیلی اتفاق می‌افتد که یک فیلم به جای یک تدوینگر، سه تدوینگر داشته باشد تا آنها کنار هم اظهارنظر کنند و تدوین مناسبی را ارایه دهند. در کنار هم بودن سینما را معنا می‌دهد؛ اینکه ما رقیب باشیم اما دشمن هم نباشیم. بچه‌های سینما وظایف بسیار سنگینی دارند؛ آنها در هنر پیشرو هستند چراکه مجموعه هنرهاست که سینما را می‌سازد بنابراین در هر رشته آن هم افراد متفکر وجود دارد. خیلی از بزرگان سینمایی خود را در جریانات حاشیه داخل نمی‌کنند و حتی نمی‌شود از آنها در مورد مسایلی جدا از هنر اظهارنظر گرفت. آنها باید در این مقطع در جهت همدلی حرکت کنند تا به نتیجه درست برسند. چون درد آنها برای عام است، درد من برای خودم نیست و درد ما مشترک است و با کنار هم قرار گرفتن ما می‌شود این دردها را درمان کرد.

شهرت جهانی

مسعوداطیابی

آرزویم این است که سینمای کشورمان به معنای واقعی ملی شود و شرایطی فراهم آید که سینماگران دنیا چشمشان و آرزویشان این باشد که در سینمای کشور ما فعالیت کنند و سینمای ما به شهرت جهانی برسد. نه اینکه همیشه ما دنباله‌رو سینمای غرب باشیم. من فکر می‌کنم باید به قله‌های بلند سینمای جهان برسیم و قطعا این توانایی در ما وجود دارد که باید به فعل دربیاید. متاسفانه امسال روز ملی سینما در مشکلات سینما غرق شد. من به روزهایی فکر می‌کنم که در روز ملی سینما همه همکاران ما با هم دوست بودند و از دیدن یکدیگر خوشحال می‌شدند و خیلی راحت با هم برخورد می‌کردند. اما به نظر می‌رسد ما الان از این دوستی‌ها فاصله گرفته‌ایم و درگیر قهر و آشتی‌های بی‌حاصلی شدیم که امیدوارم دوباره کنار هم جمع بشویم. ما تمام تلاش‌مان در همبستگی معنا پیدا می‌کند، کاش معنای این همبستگی را دریابیم و دوباره رفاقت را رهاورد اولیه سینمای ایران کنیم.

پاک کردن کینه‌جویی‌ها

محسن‌علی‌اکبری

روز سینما برای تمامی اهالی سینما روزی مبارک و میمون است و در طول سالیان سال نماد سینمای ملی پذیرفته شده و این پذیرش از سوی تمام اقشار بوده و در این روز می‌تواند از سوی سیاست‌گذاران کلان سینمای کشور پیام‌های خوبی برای اهالی فرهنگ و هنر ارسال شود و از طرفی می‌تواند از سوی هنرمندان اقدامات موثری برای زیرمجموعه و قشر آسیب‌پذیر این هنر ایجاد شود. به هرحال این احساس وجود دارد که در این روز می‌تواند اتفاقات خوبی هم از طرف هنرمندان مطرح کشور و هم از طرف مسوولان و مدیران ارشد سینمایی خصوصا ریاست سازمان سینمایی به عنوان یک جشن و خوشحالی رقم زده شود. ما باید به فکر اقشار آسیب‌پذیر این حرفه که حدود چهار هزار نفر هستند، باشیم خصوصا در این روز باید یکی از رسالت‌ها همین باشد. رسالت بعدی باید پاک کردن کینه‌جویی‌ها باشد. مثل قبل از شروع ماه مبارک رمضان که مومنان از یکدیگر دلجویی و طلب حلالیت می‌کنند کاش در این روز با هم آشتی کنند. من امیدوارم روز ملی سینما مثل روز اول ماه مبارک رمضان و عیدفطر برای اهالی سینما روز آشتی و وحدت ملی باشد و در اذهان باقی بماند. وقتی در این روز اتفاقی نمی‌افتد عملا صلاحیت خود را به عنوان یک روز ملی از دست می‌دهد و من از مدیران سینمایی کشور خواهش می‌کنم که در فکر یک مژدگانی خوب برای اهالی فرهنگ و هنر باشند و از هنرمندان خواهش می‌کنم مباحث گذشته و اتفاقات گذشته را فراموش کنند و با یک جامعه هنرمندانه یک‌دست و با وحدت بسیار بتوانیم قله‌های سینمایی دنیا را فتح و با آثار پرمحتوا از هویت و فرهنگ ایران اسلامی به خوبی دفاع و مراقبت کنیم.

آتش سینما روشن شود

حمیدنعمت‌الله

کسادی و سوت و کوری هر سامانی که روزگاری پررونق و پرخیر و برکت بوده است تاسف‌بار است. سینما سوت و کور شده. آرزو می‌کنم آتش سینما دوباره افروخته شود و باز گرمابخش و شورآفرین باشد. آرزو می‌کنم تمام کسانی که مشتاق سینما نیستند اما تصمیمات‌شان بر سود و زیان سینما موثر است سرشان جای دیگری گرم شود و جای دیگری خدمت کنند جای بهتری اصلا. شورای شهری، هیات‌مدیره کارخانه‌ای، نمایندگی مجلس حتی. و هرچه که طبع‌شان می‌پسندد.

درخت و تبر

نگاراسکندرفر

درخت و تبر / قصه‌ای قدیمی / که گفتنش / به آوارگی گنجشک‌ها نمی‌ارزد . نمی‌دانم این شعر از کجا به خاطرم مانده. شاید یادگار زمان انتشار نشریه کارنامه باشد. بقیه شعر را به یاد ندارم. تنها می‌دانم که شاعر تا آخر قصه را که می‌دوید گنجشک‌ها پریده بودند و من هر بار که نهادی در معرض تهدید قرار می‌گیرد یاد این تکه شعر می‌افتم و حکایت درخت و تبر. گفتید خطی به یادگار بر دیوار این ماجرا بنویسم و آرزویی برای آینده سینمای ایران بکنم. آرزو می‌کنم درخت‌ها ریشه عمیق داشته باشند و تبرها بر زمین گذاشته شوند و همه به یاد بیاوریم که جهان آشفته کنونی بیش از همه چیز به صلح و مهربانی نیاز دارد. همین!

سینماگران قناعت‌پیشه

سیامک‌شایقی

همواره گفته‌اند و هنوز می‌گویند که در شرایط سخت خلق را قناعت باید؛ و شیخ اجل بیش از همه: «خدا را ندانست و طاعت نکرد / که بر بخت و روزی قناعت نکرد
قناعت توانگر کند مرد را /...»

منتها هرچقدر هم در پذیرش امثال این کلام سعدی بزرگ تردید داشته باشی، بر دل می‌نشیند، چراکه نه سهمی در قدرت داشت و نه دستی در مال‌اندوزی.

و البته متوجه هستم تفاوت‌های «قناعت» را (که ریشه در عرفان خودخواسته شخصی دارد) با «ریاضت» (که بیشتر مرتبط است با هدف و عمل مشترک جمعی برای یک مقطع تاریخی خاص).

با این‌همه سینماگران ایران از فردای انقلاب اسلامی راه قناعت پیشه کرده‌اند: قناعت در نمایش روابط مرد و زن؛ اعم از روابط عاطفی یا مادرانه و پدرانه (تا حدی که مادر حق در آغوش گرفتن پسرش را نداشته باشد)- قناعت در نمایش خشونت – قناعت در نمایش معضلات و ناهنجاری‌های اقتصادی/ اجتماعی/ فرهنگی و سیاسی – قناعت در استفاده از بودجه و امکانات دولتی- قناعت در حداقل تبلیغات برای جذب مخاطب فیلم‌ها- قناعت در استفاده از حداقل سالن‌های سینما برای نمایش یک فیلم – قناعت در...– قناعت و دلخوش داشتن به نیمچه تشکیلات صنفی با استقلالی نیم‌بند به نام «خانه سینما»- و قناعت به داشتن روز ملی سینما در تقویم رسمی کشور و... . و آنچه جالب و غبطه‌برانگیز است اینکه، سینمای ایران با همین حداقل‌ها و قناعت‌پیشگی، حضوری چشمگیر در سینمای جهان داشته و قله‌های بسیاری را فتح کرده است. اما دریغ که این افتخارات نادیده گرفته می‌شود؛ خانه سینما تعطیل و روز ملی سینما از روزهای ملی و تقویم رسمی حذف و به ضمایم منتقل می‌شود.

مدتی است اما به تردید افتاده‌ام. فکر می‌کنم دیگر عرفان قدیم (از جمله قناعت) راه‌حل کارساز و مناسبی برای مشکلات جهان امروز نیست. فی‌الحال تا یافتن راه‌حل‌های مفید و موثر «روز ملی سینما مبارک.»

دیدنی‌هایی که دوست‌داشتنی نیست

تورج‌منصوری

من یک فیلمبردار سینما هستم چشم‌هایم برای دیدن تربیت شده اما چیزی را که امروز می‌بینم اصلا دوست ندارم. سینمای ایران اوضاع خوبی ندارد، پر از تضاد است و هرروز صدمه‌پذیرتر از روز قبل می‌شود. آیا وضعیت موجود همان است که همه‌مان به دنبالش بودیم؟ فکر نمی‌کنم چنین باشد ولی اطمینان دارم ما از مسیری که همه با هم پیموده‌ایم به اینجا رسیدیم. ما دقیقا در نقطه منطقی ادامه کنش و واکنشی هستیم که طی چند سال گذشته بین همه‌مان وجود داشته است. منظورم از همه، همه است نه فقط یک گروه خاص. پاک شدن روز ملی سینما از تقویم یا تعطیلی خانه سینما برای هیچ‌کدام ما یک دستاورد محسوب نمی‌شود. کم شدن میزان تولید، کسادی بازار کار و بیکاری اکثر دست‌اندرکاران نه برای معاونت یا سازمان سینمایی، نه دست‌اندرکاران حرفه و نه مدیران خانه سینما موقعیت بهتری به ارمغان نمی‌آورد. پس اگر خوشبینانه تصور کنیم که همه ما می‌خواهیم راهی برای بهبود اوضاع کنونی سینما پیدا کنیم حکم عقل آن است که حداقل حتی برای چند لحظه خودمان را جدا از جوی که در آن قرار داریم قضاوت کنیم. ما مجبوریم اشتباهات خود را بشناسیم و سپس اصلاح کنیم اگر نه روز به روز بیشتر در آنها غرق می‌شویم و متاسفانه کل جامعه از آن لطمه می‌خورد. خواستم روی دیوار سینما یادگاری بنویسم شد طومار. چه کنم؟ چشم‌هایم برای دیدن تربیت شده. من یک فیلمبردار سینما هستم.

بازی دوسر باخت

حسن فتحی

امیدوارم مسوولان فعلی سینما بالاخره این کشمکش را تمام کنند. چون این یک بازی دو سر باخت است. هیچ برنده‌ای ندارد. نه سینماگران ما در این مرافعه برنده‌اند و نه مسوولان فرهنگی دولت.

آرزویم رونق دوباره سینماست. آرزو می‌کنم مسوولان در مقابل بازگشایی مجدد «خانه سینما» مانعی نتراشند. «خانه سینما» نهادی صنفی است و نماینده همه کسانی محسوب می‌شود که در این حرفه مشغول فعالیتند.

همه باید بکوشند تا سینمای ایران رونقی دوباره پیدا کند، چراکه بعد از اسکار «اصغر فرهادی» دیگر تمام چشم‌های نظاره‌گر در دنیا، به سینمای ایران دوخته شده و باید هر روز بکوشیم تا آثاری فاخر و معتبر به سینمای جهان ارایه کنیم. باید برای خودمان، یک چشم‌انداز پنج‌ساله ترسیم کنیم و بدانیم که قرار است از این به بعد از درآمد گیشه‌های جهان، چه سهمی را از آن خود کنیم. بهتر است به جای این دعواهای بی‌سر و ته اولویت‌هایمان را عوض کنیم.

پایان تنگ‌نظری

خسرومعصومی

اگر قرار باشد سینمای ایران قد و اندازه درستی پیدا کند، لازم است که مسوولان مربوطه دست از تنگ‌نظری نسبت به آثار بردارند. در حالی‌که همه از عمل به قانون صحبت می‌کنند اما مسوولان اثری را که خود، فیلمنامه‌اش را تایید و پروانه ساختش را تصویب کرده‌اند پس از اینکه فیلم ساخته شد و در جشنواره فجر هم نمایش یافت، نمی‌تواند اکران عمومی کند. همین اتفاق در مورد فیلم «خرس» افتاد؛ این فیلم در جشنواره شانگهای جایزه بهترین فیلم را گرفت اما با اینکه تمام مراحل ساخت فیلم براساس پروانه ساخت بود و مسوولان هم فیلم را تایید کرده بودند هنوز موفق به اکران عمومی در کشور نشده است. وزارت ارشاد باید جسارت پخش آثاری که خود مجوز ساخت آنها را صادر کرده، داشته باشد.

تشدید بی‌اعتمادی

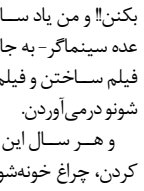

غلامرضاموسوی

آرزو می‌کنم سینمای ایران در جذب تماشاگر، رفع بی‌اعتمادی و عدم امنیت شغلی و حل مسایل نرم‌افزاری و سخت‌افزاری موفق باشد. امروز بی‌اعتمادی بین اهالی سینما و مسوولان وجود دارد و همین بی‌اعتمادی به عدم امنیت شغلی برای هنرمندان منجر شده است. هنرمندان نگاه‌ها و دیدگاه‌های متفاوتی دارند و متاسفانه اخیرا براساس سیاست‌های موجود بخشی از این طیف وسیع سینمایی دیده نشده و در حال حذف است. تعطیلی خانه سینما، حذف روز ملی سینما از تقویم و مسایلی از این‌گونه جو بی‌اعتمادی را تشدید کرده است. برای حل این شرایط احتیاج به شجاعت از طرف مسوولان و هنرمندان وجود دارد و البته مسوولان باید پیش‌قدم شوند تا مشکلات برطرف شود.

فیلم ساختن به جای آرزو

مجتبی‌میرتهماسب

زنگ زدن و می‌گن امسال به مناسبت روز ملی سینما (که از تقویم کشور حذف شده) و خانه سینما (که منحل شده) و جشن خانه سینما (که دیگر برگزار نمی‌شه) و وضعیت سینما از سینماگران کشور خواستیم که هر کدوم‌شون یه آرزو بکنن!! و من یاد سال‌های دور و نزدیکی می‌افتم که یه عده سینماگر- به جای آرزو کردن- فیلم می‌ساختن و با فیلم ساختن و فیلم نشون دادن به مردم، خرج خونواده شونو درمی‌آوردن.

و هر سال این موقع، بعد چند ماه آب و جارو کردن، چراغ خونه‌شونو روشن می‌کردن و جشن سینما می‌گرفتن و روز ملی سینما را گرامی می‌داشتن!

می‌خوام به جای آرزو کردن، نفرین کنم...، ولی نه، همون آرزومو می‌گم: «وعده ما، سال دیگه، روز ملی سینما در خانه سینما.»

آرزوهای سینماگران

پرهیز از شعار

یکتا ناصر

■ امیدوارم فرهنگ، رسالت سینمای ایران باشد و داعیه فرهنگی بودن و اصول انسانی و اعتقادی داشتن، برای اهالی آن، تنها یک شعار نباشد تا سینما بتواند با نمایاندن مشکلات و دغدغه‌ها و توانمندی‌های مردم این سرزمین، جدای از منافع و سلایق شخصی آنان را امیدوارتر و خردمندتر کند.

نهالی به اسم سینما

نظام‌الدین کیایی

■ سینمای ما هنوز جوان است و بنابراین آرزو بر جوانان عیب نیست. اگر سینما درختی بود که هرکسی می‌رسید آن را هرس می‌کرد امروز این درخت تنومند و قدبلند بود اما سینمای ما هنوز نهال است. درخت سینمای ما گرچه از لحاظ ریشه قوی است ولی شاخ و برگ‌هایش را کنده‌اند و نگذاشتند قد بکشد. آرزو دارم بگذارند سینمای ما قد بکشد و سینمادوستان بتوانند در گرمای تابستان از سایه آن لذت و همه مردم از این درخت سود ببرند. مشکل سینمای ما به تفکر و اندیشه بازمی‌گردد. همه چیز مردنی است جز ذات هنر؛ آدم‌ها می‌میرند، سینماها نابود می‌شوند اما اصل هنر و اصل سینما هیچ وقت نابودشدنی نیست.

نجات از ورطه کسالت

هارون یشایایی

■ امیدوارم سینمای ایران باعث اعتبار و حیثیت فرهنگ ملی ما و مورد رضایت تماشاچیان باشد، یعنی سینما وسیله‌ای برای بهبود زندگی، پرکننده اوقات فراغت، درک روح سینمای واقعی و فهمیدن معنای زندگی باشد. شاید در این صورت بشود سینمای ایران را از ورطه کسالت نجات داد. مردم باید با سینما زندگی کنند و فیلم‌ها آنقدر خوب باشد تا مردم به سینما رفتن تشویق شوند و از طرفی ما بتوانیم در سطح جهانی توانایی‌های خویش را اثبات کنیم. سینمای ما باید در خور فرهنگ ایرانی باشد و ای کاش فقط آرزو نباشد. امیدوارم سینما با مشکلاتی که دارد و افت و خیزها و نواقص و معایبی که دامنش را گرفته، روزملی سینما راه‌حلی برای عبور از این تنگناها باشد و ما بتوانیم بار دیگر با صلح و دوست داشتن به سینما برویم، صف‌های طولانی را روبه‌روی سالن‌های سینما ببینیم و یادآور دوران خوشی باشیم که حتی نیمه‌شب‌ها چراغ پرنور سینمای ایران روشن بود. این اتفاق با همدلی و دلسوزی همه ما سینمادوستان امکان‌پذیر است.

جدول ۱۵۹۸

افقی:
۱- عزادار- شوره‌زار ۲- نام دلون بازیگر- سد آذر بایجان شرقی- پابرجا و استوار ۳- از اعداد دو رقمی- آمد و شد- خراسان قدیم ۴- جوانمردی- حرف یونانی- نام ترکی۵- بنا نهادن- واحد بازی تنیس- گیاه چتردار ۶- تمدن مکزیک- پایه- درد و رنج ۷- مخترع تلفن- میدانی در تهران- میهمانی دادن ۸- فرمان سکوت- مخترع ماشین بخار- بازی کردن- از شهرهای استان سرسبز مازندران ۹- قادر بودن- پدر بزرگ- دومین دورقمی ۱۰- خدای من- مارکی بر لوازم صوتی- قوه حافظه ۱۱- نزدیک‌تر- انسان یا جانوری در خود فرورفته- رییس و مالک روستا در قدیم ۱۲- مایه پیشرفت بعضی‌ها- تپش قلب- مسیحی ۱۳- چروک پوست- نژاد ما- رها از بند ۱۴- پیروی کردن- سماوی- شهری در آلمان ۱۵- ابزار مکانیکی- استان کرمانشاه

عمودی:
۱- از وسایل آشپزخانه- فرودگاه ژاپن ۲- هزار عرب- دیرینگی- زمانه ۳- سالم- خانواده‌ای پرقدرت در زمان اشکانیان- اولین حیوانی که توسط انسان رام شد ۴- شعر ژاپنی- سفید- برابر و مساوی ۵- به‌دنیا آوردن- زیر خاک پنهان کردن- نوعی بستنی سنتی- نشانه مفعولی ۶- کار نسنجیده- چهره‌بردار- چراغ ۷- بی‌ثمر باطل کردن- کشنده بی‌صدا- از حروف یونانی- فرمان توقف ۸- نظریه‌پرداز بزرگ اقتصاد انگلیسی- معروف به خوبی ۹- از الهه‌های هندو- دولت‌ها- چین‌های ریز و درهم موی سر- امر به یافتن ۱۰- از اسباب نانوایی- خوش قد و قامت- نامی دخترانه ۱۱- ضربه سر- منسوب به ادب- صد متر مربع- آب منجمد ۱۲- لقبی اروپایی- دست‌کم- رنگین کمان ۱۳- همبازی جری- مقابل رفتن- جمع ابزار ۱۴- رموز- صحرای اتمی- ضمیر متکلم وحده عربی ۱۵- نخود برشته- ترافیک سنگین

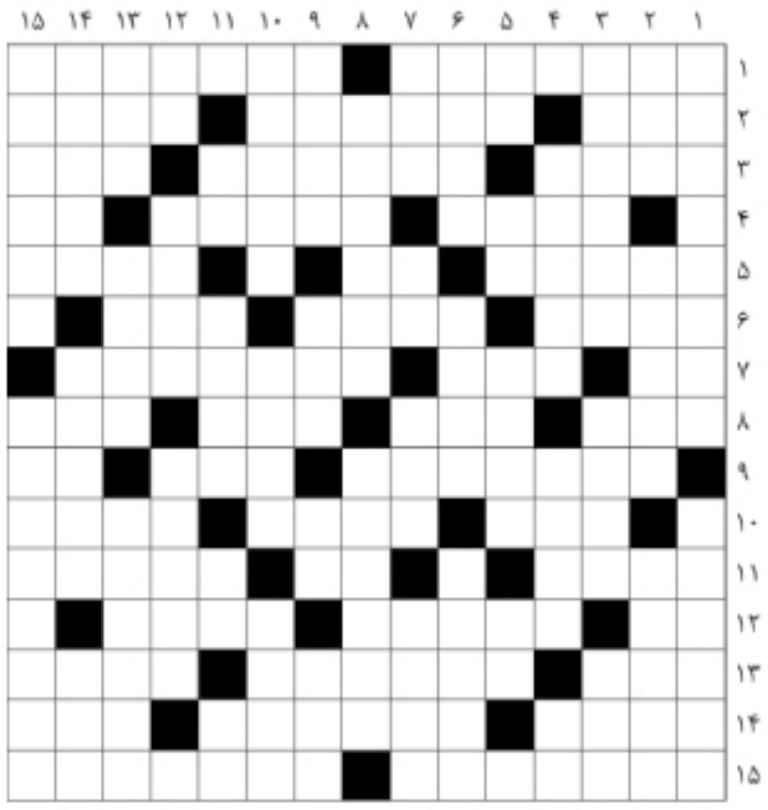

حل جدول ۱۵۹۷

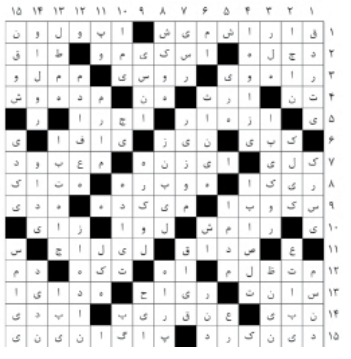

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

سودوکو ۶۰۲

	۱		۹	۸	۷		۲	
		۲		۵	۴			
		۵	۲	۶		۹		
۴	۸		۷	۹	۲			۳
۳			۴	۱		۸		
۲	۱		۶		۸			
۹			۱		۳		۵	۶
۱	۵			۲		۷		۹
	۶	۳		۷	۹			

حل سودوکو ۶۰۱

۹	۲	۴	۵	۷	۶	۱	۸	۳
۶	۱	۵	۳	۸	۴	۲	۷	۹
۳	۸	۷	۱	۲	۹	۵	۴	۶
۴	۹	۱	۷	۵	۲	۳	۶	۸
۷	۵	۳	۶	۹	۸	۴	۱	۲
۸	۶	۲	۴	۱	۳	۷	۹	۵
۲	۳	۹	۸	۴	۱	۶	۵	۷
۵	۴	۶	۹	۳	۷	۸	۲	۱
۱	۷	۸	۲	۶	۵	۹	۳	۴

قانون‌های حل جدول سودوکو:
۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو سخت ۲۵۲

	۵	۲		۸				
۹	۸					۱		
					۲	۹		۳
	۹				۷		۴	
	۳						۶	۷
۵	۷						۱	
۶			۸		۴			
۷				۶	۹		۳	
۸	۲					۴	۵	
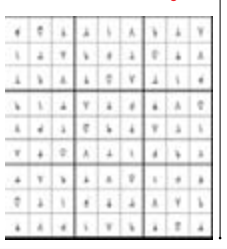
حل سودوکو سخت